

فقر کودک؛ علل و پیامدها

کیمیا واعظی^۱

روناک سعیدنژاد^۲

چکیده

مقدمه: اشکال مختلف فقر و محرومیت‌های چندگانه اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و فرهنگی آسیب‌های روحی جبران‌ناپذیری بر کودکان هر جامعه باقی می‌گذارد که هزینه این آسیب‌ها بر جامعه‌ای که دارای چنین وضعیتی باشد، تحمیل خواهد شد. در حالی که پیشرفت قابل توجهی در کاهش فقر در سطح جهانی صورت گرفته است، بسیاری از کودکان در وضعیت مناسبی نیستند.

روش: این مقاله حاصل مرور متون، جستجوی اینترنتی و مطالعه اسنادی در مورد فقر کودک، علل و پیامدهای آن است. با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی SID, Masgiran, Iran Doc, Pubmed, Noormags, Civilica, ScienceDirect, elearnica and ProQuest و با جستجوی کلید واژه-های فقر، عوامل فقر و پیامدهای فقر حد وسیعی از مجلات و مقالات منتشر شده به دست آمد. استفاده از منابعی که در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ انتشار یافته‌اند، مورد توجه بود. در نهایت حدود ۲۰ مقاله به زبان فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: عوامل مختلفی در شکل‌گیری فقر کودکان نقش دارد از جمله: رشد اقتصادی پایین و نابرابری در توزیع درآمد، بهداشت و درمان، جنسیت، عوامل جمعیتی، تحصیلات والدین، فرسایش خانوار، مهاجرت و از پیامدهای فقر کودکان میزان بالایی ضعف سلامت و بیماری‌های مزمن، استرس و فشار، افزایش اختلالات رفتاری، انزوا و محرومیت و از این قبیل است که رشد جسمانی و روانی - اجتماعی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بحث: فقر کودک پدیده‌ای است که هنوز در سراسر جهان وجود دارد؛ بنابراین مطالعه در این حوزه تصویر روشن‌تری در مقابل سیاست‌گذاران قرار می‌دهد؛ تا با اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات مناسب، برای رفع رنج و محرومیت کودکان گام بردارند.

واژگان کلیدی: فقر، فقیر، فقر کودک، علل فقر، پیامدهای فقر

۱. کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی (نویسنده مسئول) ایمیل: kvaezi3000@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مشاوره عمومی. ایمیل: ronaksaidnajhad@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

فقر در نگاه کلی پدیده‌ای است که در تاریخ بشر قدمت دیرینه دارد و حاصل نابرابری‌های اجتماعی است. موضوع فقر کودک پس از برگزاری کنوانسیون حقوق کودکان در سال ۱۹۸۹ وارد ادبیات اقتصادی دنیا شد. کنوانسیون حقوق کودک دارای ۵۴ ماده بود که حقوق آنان را به رسمیت شناخت و عبارتند از: عدم تبعیض، رعایت منافع کودکان، حق زیست و رشد، توجه به دیدگاه‌های کودک، حق برخورداری از حمایت، حق تأمین، حق بهداشت، حق مشارکت و آزادی‌های مدنی، حق آموزش و ... (پرستش، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

با توجه به اصول نامبرده، موارد نقض کودک در دنیا همواره به چشم می‌خورد. در این ارتباط می‌توان از کودکانی که مورد خشونت والدین قرار می‌گیرند، کودکانی که مورد تبعیض جنسیتی در خانواده و یا جامعه قرار می‌گیرند، کودکانی که از مدرسه بازمانده و یا به دلایل فقر فرهنگی و اقتصادی در سن کودکی به ازدواج اجباری تن می‌دهند. کودکان طلاق، کودکان کار و خیابان و ... کودکانی هستند که انواع محرومیت‌ها را تجربه می‌کنند و در چرخه باطل فقر دور می‌زنند. اشکال مختلف محرومیت‌های چندگانه اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و فرهنگی آسیب‌های روحی جبران‌ناپذیری بر کودکان هر جامعه باقی می‌گذارد که هزینه این آسیب‌ها بر جامعه‌ای که دارای چنین وضعیتی باشد، تحمیل خواهد شد.

فقر کودک و خانواده در خلأ سیاسی اتفاق نمی‌افتد. درک دیدگاه‌های دولت در مورد فقر کودک و خانواده؛ و این که چگونه برنامه‌ها و خدمات فردی را عرضه می‌کند دارای اهمیت است. دولت فدرال از طریق قطعنامه‌های عمومی و امضای کنوانسیون‌های بین‌المللی به وضوح تصریح می‌کند که فقر کودکان یک مسأله است. در سال ۱۹۸۹ مجلس عوام کانادا به اتفاق آراء تصمیم به از بین بردن فقر کودکان تا سال ۲۰۰۰ گرفت. بیش از بیست سال گذشت اما فقر کودک هنوز از بین نرفته است. در حالی که نرخ فقر کودکان طی این مدت تغییر کرده است، اما کاهش قابل ملاحظه‌ای ندارد. آمارها (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که از هر ۱۰ کودک، ۱ کودک در فقر زندگی می‌کند (مرکز منابع بهترین آغاز، ۲۰۱۰: ۶). در حالی که پیشرفت قابل توجهی در کاهش فقر در سطح جهانی صورت گرفته است، بسیاری از کودکان هنوز در وضعیت نامناسبی هستند. به عنوان مثال، آخرین ارقام فقر نشان می‌دهد در حالی که کودکان حدود یک سوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، تقریباً ۴۷ درصد از افرادی که در معرض ابتلا به بیماری‌های جدی هستند، ۱۸ سال یا پایین‌تر از این سن قرار دارند (یونیسف، ۲۰۱۵: ۱).

چهره فقر ناهمگن است. برخی از جمعیت‌ها از فقر بیشتری برخوردارند. در انتاریو بالاترین نرخ فقر در میان افراد معلول، بومی‌ها، والدین تنها و کانادایی‌های جدید دیده می‌شود. علاوه بر این، کودکانی که در جوامع دور افتاده و محروم زندگی می‌کنند، بیشتر احتمال دارد فقر را تجربه کنند (مرکز منابع بهترین آغاز، ۲۰۱۵: ۱۱). کودکان فقیر در خانوارهای فقیر به دنیا می‌آیند و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل نابرابری‌های ساختاری، پا به پای فقر رشد می‌کنند. به این ترتیب، خانوارهای فقیر نسل آینده بازتولید می‌شوند و چرخه فقر همچنان به حرکت خود ادامه می‌دهد. از این منظر مطالعه فقر کودک به معنای پدیده‌ای که کودک آن را تجربه می‌کند و وضعیتی که در آن به سر می‌برد و از دستیابی به حداقل‌های یک زندگی انسانی ناتوان است، حایز اهمیت است. بنابراین مطالعه حاضر با هدف تبیین فقر کودک و عواملی که منجر به ایجاد آن می‌شود و پیامدهایی که به بار می‌آورد، انجام شد.

روش‌شناسی

این مقاله حاصل مرور متون، جستجوی اینترنتی و مطالعه اسنادی در مورد فقر کودک، علل و پیامدهای آن است. با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی SID, Masgiran, Iran Doc, Pubmed, Noormags, Civilica, ScienceDirect, elearnica and ProQuest و با جستجوی کلید واژه‌های فقر، فقر کودک، عوامل فقر و پیامدهای فقر حد وسیعی از مجلات و مقالات منتشر شده به دست آمد و مورد بررسی قرار گرفتند. ابتدا حدود ۸۰ مقاله به دست آمد و سپس مقالات با موضوع مشابه، موازی و با عناوین تکراری از بررسی حذف شدند و مقالاتی که تأکیدشان بر فقر کودک بود، مورد توجه قرار گرفتند. در این مطالعه استفاده از جدیدترین منابع چاپ شده مورد تأکید بود و لذا منابعی که در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ انتشار یافته‌اند، انتخاب شد. در نهایت حدود ۲۰ مقاله به زبان فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت.

تعریف مفاهیم

برای تعریف فقر کودک، ابتدا لازم است تعاریفی از فقر داشته باشیم. فقر مفهومی است که به صورت‌های مختلف از سوی افراد تعریف شده است و با موقعیت شخصی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی افراد ارتباط دارد.

از دیدگاه سن^۱ (۱۹۹۹) تمام تعاریف صورت گرفته در خصوص فقر به نوعی محرومیت اشاره دارد. به عقیده وی محرومیت مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت کاملاً با هم فرق داشته باشند (پرستش، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

تانسند^۱ (۱۹۶۰ - ۱۹۷۰) اعتقاد داشت که افراد، خانوارها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و

شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند. بوت و روانتری^۲ در اواخر قرن ۱۹ تلاش کردند که بین فقر مطلق و نسبی تمایز قایل شوند. فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است و بنابراین بستگی به چگونگی تعریف معاش دارد و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. برای دستیابی به عمق نابرابری در توزیع درآمد (یا مصرف) بین افراد یا خانوارها می‌توان درصد کل درآمد دریافت شده توسط فقیرترین قشر جامعه را با درآمد دریافت شده توسط ثروتمندترین قشر مقایسه کرد. البته این مفهوم در کشورهای مختلف به صورت‌های مختلف تعریف می‌شود و طی زمان بر اثر تحولات اقتصادی نیز تغییر یافته است (خداداد کاشی و حیدری، ۱۳۸۸: ۲۰۹/ فطرس و قدسی، ۱۳۹۳: ۸۰).

در واقع فقر در سطح خانوار بررسی می‌شود و همه افرادی که در یک خانواده زندگی می‌کنند از جمله وابستگان همچون کودکان و سالمندان که منبع درآمد ندارند را شامل می‌شود. بنابراین کودکان فقیر به عنوان کودکانی که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند، تعریف می‌شود (یونیسف، ۲۰۱۵: ۱). یونیسف بر آن است که: «کودکان، فقر را به صورت زندگی در محیطی که در آن به توسعه ذهن، فیزیک، عواطف و معنویات شان لطمه وارد می‌شود؛ تجربه می‌کنند. کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند، از منابع مادی، معنوی و عاطفی لازم برای زنده ماندن، توسعه یافتن و پیشرفت کردن محروم اند. از حقوق خود آگاه نیستند، از ظرفیت‌هایشان به طور کامل استفاده نمی‌کنند و مثل بقیه اعضای خانواده در اجتماع مشارکت نمی‌کنند. به عبارت دیگر، تعریف یونیسف از فقر کودک بر مبنای حقوق انسانی، و البته با توجه به توافق نامه حقوق کودکان، این گونه است: فقر کودک، محرومیت از دامنه ای از خدمات و حمایت های مادی و اجتماعی است که برای بهزیستی کودک ضروری است. همچنین، مرکز تحقیق و سیاست گذاری فقر کودک، رشد کودک را بدون وجود عوامل زیر منجر به فقر کودک می‌داند:

- معاش کافی
- فرصت هایی برای توسعه انسان
- ساختار خانواده و جامعه برای حمایت و پرورش کودک
- فرصت بیان (عباسیان و نسرين دوست، ۱۳۸۹).

فقر کودکان فقط با معیار قدرت اقتصادی خرید نیازهای اساسی تعریف نمی‌شود. در تعریف‌های کاربردی‌تر از فقر کودکان، از روشی چند بعدی برای محاسبه فقر استفاده می‌شود. هنگامی که

محیط زندگی، زمینه‌ای برای دستیابی کودکان به موقعیت اجتماعی در نظر گرفته شود، فقط به جنبه‌های مادی توجه نمی‌شود، بلکه منابع و موضوعاتی اهمیت می‌یابند که از نظر مراقبت برای زندگی کودکان حیاتی هستند. این منابع و موضوعات شامل سلامت، تغذیه، روابط برابر مثل سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی و وضعیت همسایگان و مسکن کودکان می‌باشد (ابونوری و محمد حسینی، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

برای نخستین بار، جامعه جهانی برای تحقق وعده خود در پایان دادن به فقر، کودکان را در مرکز توجه قرار داد و با استفاده از شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری فقر کودک اهتمام ورزید. این شاخص‌ها عبارتند از:

۱- فقر پولی کودک: رایج‌ترین شاخص برای اندازه‌گیری فقر پولی، نرخ فقر ملی است. کودکانی که در خانواده‌هایی با درآمد و میزان مصرف پایین‌تر از خط فقر ملی زندگی می‌کنند، فقیر هستند. کشورهای با درآمد پایین و متوسط تمایل به استفاده از خط فقر مطلق دارند، در حالی که کشورهایی با درآمد بالا از خطر فقر نسبی استفاده می‌کنند (یونیسف، ۲۰۱۵: ۲). فقر درآمدی عبارت است از محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می‌شود (شادی طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۷: ۳۹). فقر درآمدی خانواده شرایطی ایجاد می‌کند که نیازهای اساسی همچون لباس، غذا و سرپناه تأمین نشود. کودکان به دلیل وابستگی به دیگران، از چرخه اقتصادی خانواده تأثیر می‌پذیرند و قادر به تغییر شرایط خانواده تا ورود به مرحله بزرگسالی نیستند (بروکس گان و دانکن^۱، ۱۹۹۷: ۵۵). فقر درآمدی بر تغذیه و سلامت جسمانی کودکان، وضعیت شناختی، رفتاری و عاطفی کودکان، دستاوردهای تحصیلی کودکان، محیط خانوادگی، ارتباط والدین با کودکان، سلامت روان والدین، وضعیت همسایگی و بسیاری موارد دیگر اثرگذار است (همان، ۱۹۹۷: ۵۷-۶۶).

چنانچه اشاره شد، درآمد خانواده تأثیرات ماندگاری بر بهزیستی کودکان و نوجوانان دارد. درآمد خانواده با توانایی‌ها و دستاوردهای کودکان رابطه دارد و تأثیر خاص آن بر کودکانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند چشمگیرتر است (براکس گان و دنکس، ۱۹۹۷: ۶۷-۶۸).

۲- فقر چند بعدی: در تعریف‌های کاربردی‌تر از فقر کودکان، از روشی چند بعدی برای محاسبه فقر استفاده می‌شود. هنگامی که محیط زندگی، زمینه‌ای برای دستیابی کودکان به موقعیت اجتماعی در نظر گرفته شود، فقط به جنبه‌های مادی توجه نمی‌شود، بلکه منابع و موضوعاتی اهمیت می‌یابند که از نظر مراقبت برای زندگی کودکان حیاتی هستند. این منابع و موضوعات شامل دسترسی به خدمات بهداشتی، سلامت، تغذیه، آموزش، روابط برابر مثل سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی و وضعیت همسایگان و مسکن کودکان می‌باشند. بنابراین عامل فقر با

عواملی بیش از معیار درآمد خانواده تعریف می‌شود (خداداد کاشی و حیدری، ۱۳۸۸: ۲۱۵/ ابونوری و محمد حسینی، ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۸۲). در حال حاضر روش‌های بسیاری برای اندازه‌گیری فقر چند بعدی کودکان وجود دارد از جمله MODA (یونسیف تجزیه و تحلیل محرومیت چندگانه)، MPI (شاخص فقر چند مرحله‌ای)، روش بریستول (BRISTOL) که در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص فقر چند بعدی نشان دهنده محرومیت افراد جامعه در قابلیت‌های اولیه انسانی است و الگوی متفاوتی از فقر درآمدی ارائه می‌کند. (یونسیف، ۲۰۱۵: ۲-۳/ الکایر و روش، ۱۳۹۳: ۲).

اما شاخص‌های اجتماعی که با کمک آن‌ها می‌توان فقر را اندازه‌گیری کرد عبارتند از:

- حداقل نیازهای اساسی
 - مجموعه شاخص‌های OECD^۱ که از ۱۵ شاخص تشکیل شده است، برخی از این شاخص‌ها عبارتند از: امید به زندگی، نرخ مرگ و میر (نوزاد، بچه‌ها، بزرگسالان) درصد کودکانی که دچار کم‌وزنی هستند، متوسط سال‌های دبستان، تولید ناخالص داخلی سرانه، درآمد سرانه خانوار، نرخ بیکاری، دسترسی به آب سالم و ...
 - شاخص توسعه انسانی: این شاخص ترکیبی را برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ معرفی کرد که بر سه مقوله طول عمر، میزان آموزش و باسواد و سطح زندگی استوار است.
 - شاخص فقر انسانی: این شاخص را نیز برنامه توسعه سازمان ملل معرفی کرد. این شاخص محرومیت زندگی را از سه بعد طول عمر، دانش و سطح زندگی نشان می‌دهد. محرومیت از بعد طول عمر بر حسب درصد افرادی که انتظار می‌رود قبل از ۴ سالگی بمیرند و محرومیت در دانش بر حسب درصد افراد بالغ بی‌سواد و محرومیت در سطح زندگی از ترکیب سه متغیر درصد افرادی که به آب سالم دسترسی ندارند، درصد افرادی که به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند و درصد کودکان پنج ساله‌ای که دچار کم‌وزنی هستند به دست می‌آید (ماهر، ۱۳۸۴: ۱۳۳).
- عموماً بار بیماری‌ها در هر کشور رابطه مستقیم و به مراتب قوی‌تری از آنچه پنداشته می‌شود با شاخص‌های اقتصادی دارد زیرا انسان فقیر به دلیل نداشتن درآمد کافی توان به دست آوردن غذا، مسکن و شغل مناسب را نداشته و به همین دلیل بیشتر در دام بیماری اسیر می‌گردد و از طرف دیگر دسترسی کمتری نیز به خدمات سلامتی دارد و در نتیجه درآمد وی همواره رو به کاهش است و این چرخه ادامه می‌یابد. این امر با بررسی وضعیت سلامتی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ثابت می‌گردد. در اکثر کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه با کنترل بیماری‌های واگیردار، ارتقای سلامت مادر و کودک و کاهش آثار معلولیت‌های جسمی و ذهنی

جامعه خصوصاً افراد کم درآمد می‌توان تأثیر قابل توجهی بر شاخص‌های اقتصادی این گونه کشورها گذاشت (همان: ۱۳۴).

علل فقر کودک

عوامل بسیاری در ایجاد فقر نقش دارد. برخی ممکن است به دلیل تعلق به یک نژاد، طبقه و یا موقعیت خاص فقر را به ارث برده باشند (شهاب احمد، ۲۰۰۵: ۱)؛ بنابراین میزان فقر با توجه به سن، ساختار خانواده، نژاد، زندگی در شهر، حومه شهر و یا مناطق روستایی تا حد بسیار زیادی متفاوت است (او او ام اس، ۱۹۹۲: ۶). در این بخش به برخی از عواملی که در شکل‌گیری فقر کودکان موثرند اشاره می‌شود:

- رشد اقتصادی پایین و نابرابری در توزیع درآمد: مهم‌ترین عوامل در رفاه کودکان رشد اقتصادی، اشتغال و توزیع درآمد است. کند بودن رشد اقتصادی به همراه افزایش تورم و بیکاری باعث افزایش فقر و کاهش رفاه می‌گردد. اما فقط رشد اقتصادی پایین، به فقر منجر نمی‌شود. بلکه گاهی حتی در شرایط رشد اقتصادی نیز به دلیل نابرابری در توزیع درآمد ما شاهد افزایش فقر و کاهش رفاه هستیم.
- بهداشت و درمان: بهبود سلامت کودکان وابسته به کیفیت خدمات بهداشتی و سلامت و دسترسی آن‌ها به این خدمات است. عدم توجه کافی و فقدان حمایت‌های اساسی در ارائه خدمات و نیز عدم تخصیص بودجه کافی برای تأمین این خدمات باعث فرسایش تدریجی این زیر ساخت‌ها خواهد شد. شرایط اقتصادی و فرهنگی نامساعد خانوار، به احتمال زیاد کودکان را با مشکلاتی نظیر بیماری‌های مادرزادی، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و دارویی، بیماری‌های روحی و اشکال دیگر ناامنی‌های سلامتی مواجه می‌سازد.
- فرسایش خانوار: معضل‌هایی چون اعتیاد، طلاق مشکلات عاطفی و محرومیت‌هایی مالی در خانوارها باعث افسردگی، کاهش امید به زندگی و کاهش عزت نفس و بروز جرم و جنایت و بزهکاری در کودکان می‌شود. اگر چه نهادهای دیگری نیز در افزایش جرم و جنایت کودکان موثرند، بی‌تردید خانواده نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. ویژگی‌های خانوار از نظر جنسیت، سن، تحصیلات، شغل سرپرست خانوار و بعد خانوار بر شرایط اقتصادی و فرهنگی خانوار و کودکان تأثیرگذار است.
- عوامل جمعیتی: رشد جمعیت و عدم سیاست‌گذاری صحیح به منظور تأمین امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی، افزایش مشکلاتی چون بیکاری، فقر و مشکلات اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (راغفر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲۷-۲۲۸).

- سطح تحصیلات پایین والدین: سطوح پایین آموزشی والدین عاملی اساسی برای کسب درآمد پایین است. ۸۳ درصد از کودکانی که والدینی با تحصیلات پایین‌تر از مدرک دیپلم دارند در خانواده‌هایی با درآمد پایین زندگی می‌کنند و بیش از نیمی از کودکانی که والدینشان فقط مدرک دبیرستان دارند، دارای درآمد پایین هستند (مرکز ملی کودکان فقیر، ۲۰۰۹: ۵/ محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۹).
 - خانواده‌های تک والد در مقایسه با خانواده‌های دارای دو والد در معرض مشکلات اقتصادی بیشتری هستند. اما تحقیقات نشان می‌دهد که ازدواج محافظت از ناامنی اقتصادی را تضمین نمی‌کند. از هر چهار کودک، یک کودک با والدین متأهل در خانواده‌های کم درآمد زندگی می‌کند. در مناطق روستایی و حومه‌ای، اکثر کودکان کم درآمد و در میان لاتینی‌ها بیش از نیمی از کودکان با والدین متأهل زندگی می‌کنند. علاوه بر این اکثر افرادی که فقر را در بزرگسالی تجربه می‌کنند، در خانواده‌های متأهل رشد یافته‌اند.
 - همچنین والدین مهاجر، شانس کودکان را برای زندگی در فقر افزایش می‌دهند. در ایالات متحده آمریکا ۶۰ درصد کودکانی که والدین مهاجر دارند، در مقایسه با ۳۷ درصد از کودکانی که والدین آن‌ها در ایالات متحده آمریکا متولد شده‌اند، کم درآمد هستند (مرکز ملی کودکان فقیر، ۲۰۰۹: ۵).
 - جنسیت: بر اساس جنسیت، پسران در مقایسه با دختران، بیشتر در فقر زندگی می‌کنند. در سال (۲۰۰۶-۲۰۰۵)، ۳۸/۳ درصد پسران در فقر زندگی می‌کردند که در سال (۲۰۱۳-۲۰۱۲) به ۲۹/۹ درصد رسید. ۳۴/۳ درصد دختران در سال (۲۰۰۶-۲۰۰۵) در مقایسه با ۲۶/۷ درصد در سال ۲۰۱۲ در فقر زندگی می‌کردند. پسران (۱۰/۸) نسبت به دختران (۹) در فقر شدیدتری زندگی می‌کنند (یونیسف، ۲۰۱۵: ۴).
- مهیر^۱ به مقایسه بین المللی فقر میان مناطق کم توسعه و کشورهای توسعه یافته پرداخت و این کار را با شاخص‌هایی چون تولید ناخالص داخلی، مصرف روزنامه، سطح سواد، امید زندگی و جز آن انجام داد. کوزنتس^۲ (۱۹۷۷) نگاه دیگری به فقر داشت. به گمان او سهم مصرف بالاترین گروه‌های درآمدی در کشورهای کم توسعه بیشتر از کشورهای پیشرفته است که این سهم در مورد گروه‌های میان درآمد برعکس است. برای گروه‌های کم درآمد او نتوانست تفاوت قابل دفاعی را بین دو گروه از کشورها بیابد (رئیس دانا، ۱۳۸۴: ۷-۸).

1. Meier

2. kuzents

پیامدهای فقر کودکان

بر اساس گزارش صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) یکی از مهم‌ترین موانع توسعه توانایی‌های کودکان، فقر است. یونیسف (۲۰۰۸) دلایلی برای اندازه‌گیری میزان فقر کودکان برشمرده که عبارتند از:

- کودکان به احتمال بیشتر دچار فقر خواهند شد و به دلایل گوناگون در مقایسه با بزرگسالان بیشتر آسیب‌پذیر هستند. برای مثال، کودکان نیازهای تغذیه‌ای متفاوتی دارند و نقش تحصیلات در طی مراحل زندگی‌شان بسیار مهم است. یک رویکرد کودک‌محور به فقر می‌تواند نیازهایی را که برای کودکان و توسعه آن‌ها بسیار حیاتی است مشخص کند.
- اگر کودکان در فقر رشد کنند، به احتمال زیاد در بزرگسالی نیز فقیر خواهند بود. به دلیل وجود نابرابری‌های ساختاری در جوامع بشری، فقر اغلب به صورت یک چرخه معیوب، کودکانی را که از بدو تولد در دام خود گرفتار کرده است در بقیه عمر نیز آن‌ها را در کام خود نگه می‌دارد. موثرترین شیوه کاهش فقر در هر جامعه‌ای هدف‌گیری کاهش فقر کودکان است. کاهش فقر در بلندمدت مستلزم هدف‌گیری کودکان فقیر در زمان حاضر است.
- کودکان برای تأمین نیازهای اساسی خود به میزان زیادی به محیط اطراف خود از جمله توزیع منابع در خانواده و والدین خود و اعضای جامعه‌شان متکی هستند. محاسبات کودک‌محور از فقر از آن حیث حائز اهمیت است که به توزیع منابع اساسی مورد نیاز کودکان منجر و بدین ترتیب بر نقش فقر در میان کودکان تأکید می‌شود.
- سرانجام این که یک تعریف جامع و عملی و همین‌طور یک روش محاسباتی از فقر کودکان، ابزار مناسبی برای دانشمندان و سیاست‌گذاران است که با استناد به آن‌ها می‌توانند به بررسی اوضاع کودکان فقیر، صورت‌بندی سیاست‌ها و راهبردهای کاهش فقر بپردازند (یزدان‌پناه و زاغفر، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۹۱).

فقر در دوران کودکی بسیار ویرانگر است و بر توسعه فیزیکی، شناختی و اجتماعی کودکان تأثیر مخرب می‌گذارد و سلامت جسمانی و روانی آنان را تضعیف می‌کند، آنان را در سطوح پایین تحصیل، کاهش بهره‌وری و پایداری چرخه‌های بین نسلی فقر قرار می‌دهد. در حالی که بزرگترین هزینه‌های فقر کودکان به طور مستقیم بر خود آنان وارد می‌شود، جامعه نیز هزینه‌های بالایی می‌پردازد. فقر کودک، فرصت‌های زندگی کودکان را به مخاطره می‌اندازد و به سلامت جامعه آسیب می‌رساند (یونیسف، ۲۰۱۵: ۱ / یونیسف، ۲۰۱۱، ۱ / مرکز منابع بهترین آغاز، ۲۰۱۰: ۱۶). میلیون‌ها کودکی که در فقر زندگی می‌کنند، به دلیل تأثیرپذیری از محیطی که در آن زندگی می‌کنند به شدت آسیب‌پذیر هستند. تقریباً نیمی از خانواده‌های فقیر در محله‌هایی که در آن فقر متمرکز است، زندگی می‌کنند. بسیاری از فقیرترین خانواده‌ها در تلاش برای زنده ماندن در جوامعی هستند که

اغلب به جای این که فقر آنان کاهش یابد، به دلیل فقدان منابع عمومی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و قدرت سیاسی تشدید می‌شود. جوامع درون شهری اغلب فاقد فرصت برای والدین هستند تا به شبکه‌های اجتماعی ملحق شوند. خانواده‌هایی که در محله‌های کم درآمد زندگی می‌کنند اغلب توسط خشونت و جرم و جنایت محصور شده‌اند. فقدان مکان‌های امن برای بازی و سرگرمی کودکان، واقعیتی است که بسیرای از خانواده‌های فقیر در سراسر ایالات متحده با آن مواجه هستند. کودکانی که در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند، کمتر احتمال دارد که در فعالیت‌هایی همچون ورزشی و سایر برنامه‌ها بعد از فراغت از مدرسه شرکت کنند. اقتصاد، اجتماع، بهداشت و عواملی دیگر باعث ایجاد فقر و محرومیت شدید و پایدار می‌شود که تأثیر منفی بر رشد فکری، عاطفی و جسمی کودکان دارد (وود^۱، ۲۰۰۳: ۷۰۸). فقر می‌تواند از سه طریق بر خانواده و کودکان تأثیر بگذارد:

- استرس و فشار
 - انزوا و محرومیت
 - تأثیر بلند مدت بر نوجوانان
- تایلور و مک دونالد^۲ (۱۹۹۸) دریافتند که کودکان ۶ ساله در خانواده‌های با درآمد کم، احساس انزوای بیشتری داشتند و دارای علایمی بودند که به نسبت سایر کودکان کمتر در آنان وجود داشت: زندگی در محله‌های خوب؛
- بازی با دوستان بعد از فراغت از مدرسه؛
 - پرداختن به فعالیت‌هایی چون ورزش و موسیقی؛
 - رفتن به تعطیلات (شهاب احمد، ۲۰۰۵: ۳).
- برخی از نتایج بالقوه زندگی در فقر به ویژه فقر پایدار عبارتند از:
- ناتوانی در برآورده ساختن نیازهای اساسی مانند مسکن، خوارک، پوشاک؛
 - ابتلا به بیماری‌های روانی برای همه اعضای خانواده؛
 - افزایش استرس و فشار برای خانواده که سلامت جسمی و روانی خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛

- کاهش توسعه انسانی از قبیل رشد زودهنگام کودک؛
 - افزایش اختلالات رفتاری در کودکان و (مرکز منابع بهترین آغاز، ۲۰۱۰: ۱۶).
- مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که فقر با میزان بالاتری از ضعف سلامت و بیماری‌های مزمن در کودکان همراه است. کودکان فقیر دارای نرخ بالای پذیرش در بیمارستان، معلولیت و میزان مرگ و

1. Wood

2. Tailor & Macdonald

میر هستند. آن‌ها دسترسی کافی به مراقبت‌های پیشگیرانه، درمانی و اورژانسی ندارند و بیشتر از طریق تغذیه نامناسب، خانواده‌های تک‌والد، ناکارآمد و مسکن نامناسب تحت تأثیر قرار می‌گیرند (وود، ۲۰۰۳: ۷۰۹). مطالعه بناو چی نوا و همکاران^۱ (۲۰۱۴) نشان داد که خطر ابتلا به خشونت علیه شریک جنسی، رشد اعتیاد و یا رفتارهای مجرمانه بین والدین، در خانواده‌هایی که در فقر طولانی مدت زندگی می‌کنند، وجود دارد. همچنین در خانواده‌هایی با درآمد پایین، تعارض بین نقش‌های خانوادگی و شغلی بیشتر اتفاق می‌افتد. تعارض میان نقش‌ها تأکید بر فشار بیش از حد بر والدین برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده دارد (چو سانگ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۵۲).

نتیجه‌گیری

چنانچه اشاره شد فقر در دوران کودکی در مقایسه با دوران بزرگسالی به مراتب اثرات زیانبارتری بر جای می‌گذارد. کودکانی که به طور مداوم در چرخه فقر و محرومیت قرار می‌گیرند، از نظر رشد فیزیکی و شناختی دچار مشکلاتی می‌شود که گاه جبران ناپذیر است. بنابراین سرمایه‌گذاری در کودکان به منظور دستیابی به توسعه انسانی و پایدار حائز اهمیت است. نکته نخست در اجرای سیاست‌های فقر زدایی، حل مسأله فقر است که مستلزم برنامه‌ریزی بلند مدت است. به این منظور، روش بهینه کاهش فقر، اولویت بخشیدن به کاهش فقر کودکان است. البته توجه به فقر کودکان به معنای بی‌توجهی به فقر بزرگسالان نیست. چرا که این دو شاخص همواره به هم مربوط هستند. توجه به فقر بزرگسالان با جهت‌گیری کاهش فقر کودکان اثرپذیری سیاست‌های دولت را افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌های انسانی کشور، از راهی به جز رسیدگی به کیفیت زندگی کودکان میسر نیست. بنابراین سرمایه‌گذاری در حوزه سرمایه‌های انسانی (کودکان) در کشور به نحوی که سبب کسب مهارت‌های کافی برای خروج از فقر آنان و والدینشان شود، اثربخشی سیاست‌ها را در بلند مدت دو چندان می‌سازد (یزدان‌پناه و راغفر، ۱۳۸۹: ۲۱۴-۲۱۵).

روش‌هایی کلی برای کاهش تأثیر فقر درآمدی بر کودکان پیشنهاد می‌شود که عبارتند از:

- برنامه‌های تغذیه‌ای به ویژه اگر فقر غذایی موردنظر باشد، بر سلامت جسمانی و شناختی تأثیرات مفیدی بر جای می‌گذارد (براکس گان و دنکس، ۱۹۹۷: ۶۸)
- سیاست‌های درآمدی و برنامه‌های حمایتی می‌تواند بر زندگی بسیاری از کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند، تأثیر مستقیم داشته باشد. بیشترین اهمیت این برنامه‌ها مبنی بر بازنگری، تلاش برای حذف فقر به ویژه در سال‌های اولیه کودکی است. اگر چه حمایت از خانواده‌های دارای فرزندان بزرگتر ممکن است امری مطلوب باشد، اما تاثیری که این حمایت‌ها بر سال‌های اولیه کودکی برجای می‌گذارد را ندارد (براکس گان و دنکس، ۱۹۹۷: ۶۸).

توجه اصلی به آموزش و پرورش و بهداشت کودکان جز اصلی‌ترین مقوله‌های موثر در کیفیت رشد جسمی و روانی کودکان است. شاخص‌های پایین سلامت و بهداشت در بین کودکان فقیر حاکی از این حقیقت است که این بخش از جامعه جزء آسیب‌پذیرترین قشرها هستند. اختصاص منابعی عمومی و سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و پرورش عمومی، یک ابزار محوری برای فقر زدایی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابونوری، عباسعلی. محمدحسینی، فهیمه (۱۳۹۱). بررسی میزان فقر مطلق با محوریت کودکان در بین خانوارهای شهر تهران. رفاه اجتماعی، ۱۲ (۴۵): ۱۷۹-۲۰۹.
- الکلیر، سبینا. روش، جوز مانوئل (۱۳۹۳). مترجم: اندایش، یعقوب. اندازه‌گیری وسعت و اجزای فقر کودکان با روش فقر چند بعدی. مباحثی در حوزه سیاستگذاری اجتماعی. وزارت کار و رفاه اجتماعی؛ معاونت رفاه اجتماعی با همکاری سازمان بهزیستی کشور: ۱-۴۵
- پرستش، ن (۱۳۹۰). فقر کودک و تمایز آن از فقر خانوار. مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۱(۱۲): ۱۱۵-۱۲۲.
- خداداد کاشی، فرهاد. حیدری، خلیل (۱۳۸۸). اندازه‌گیری شاخص‌های فقر بر اساس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی. پژوهشنامه اقتصادی، ۹(۳): ۲۰۵-۲۳۱.
- راغفر، حسین. شیرزادمقدم، مریم. سنگری مهدب، کبری (۱۳۸۹). سیمای فقر کودکان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۳۸۷. رفاه اجتماعی، ۹(۳۵): ۲۲۱-۲۴۸.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۴). اندازه‌گیری شاخص و پویای فقر در ایران. رفاه اجتماعی، ۵ (۱۷): ۱-۱۹
- شادی طلب، ژاله. حجتی کرمانی، فرشته (۱۳۸۷). فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی. رفاه اجتماعی، ۷(۲۸): ۳۵-۵۶.
- عباسیان، ع. نسرین دوست، م (۱۳۸۹). فقر کودک: تعریف‌ها و تجربه‌ها. فصلنامه رفاه اجتماعی؛ ۹ (۳۵): ۱۱-۳۵.
- فطرس، محمد حسن. قدسی، سوده (۱۳۹۳). روش آلکلیر و فوستر برای اندازه‌گیری فقر چندبعدی. مجله اقتصادی؛ ۱۱ و ۱۲: ۷۷-۹۲.
- ماهر، علی (۱۳۸۴). بررسی رابطه فقر و سلامت در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۵(۱۸): ۱۲۹-۱۴۸.
- محمدزاده، پرویز. فلاحی، فیروز. فرید، حکمتی (۱۳۸۹). بررسی فقر و عوامل تعیین کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۲: ۴۱-۶۴.
- یزدان‌پناه، محمد. راغفر، حسین (۱۳۸۹). محاسبه شاخص‌های فقر کودکان در بین جمعیت روستایی و شهری (۱۳۸۶-۱۳۶۳). رفاه اجتماعی، ۹ (۳۵): ۱۸۹-۲۱۹.
- Banovcinova, A. Levicka, J. Veres, M (2014). The Impact of Poverty on the Family System Functioning. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 132: 148 – 153.
- Best start resource center (2010). Child and family poverty in Ontario. Health nexus sante. www.beststart.org.

- Brooks-Gunn, j. Duncan, G.R (1997). The effects of poverty on children. The Future of Children, 7(2): 57- 71.
- National center for children in poverty (2009). Child poverty family economic hardship. Mailman school of public health Colombia university: 1-8.
- Ngun Ceu Thang, H. Thi Tung Uyen, N. Mungai, N.w (2014). What Constitutes Poverty in Myanmar? The Social Work Appraisal. International Journal of Social Work and Human Services Practice, 2 (2): 10- 15.
- Ooms, Th (1992). Families In Poverty: Patterns, Contexts, and Implications for Policy. Family Impact Seminar, Washington: 1- 52.
- Shabab ahmad, Z (2005). Poverty, family stress & parenting. www. Humiliationstudies: 1-4.
- Unicef (2011). A Multidimensional Approach to Measuring Child Poverty. Social and economic policy working briefs: 1-8
- Unicef (2015). Child Poverty: Indicators to measure progress for the sdgs: 1-4.
- Unicef (2015). Child poverty. REALLY SIMPLE STATS: the UNICEF GHANA internal STATISTICAL bulletin: 1-5.
- Wood, D (2003). Effect of Child and Family Poverty on Child Health in the United States. Pediatrics, 112 (3): 707- 711.

